

# کابوسی افغانستان

حبیب حیدر

(کارشناس اقتصاد کشاورزی و مشاور وزارت کشاورزی در افغانستان)

و ماری - پل نوگاره (روزنامه نگار)

رژیم طالبان که بر افتاد افغان ها خواستار بازسازی کشورشان بودند و امیدوار به اینکه مثلاً از دست جنگ سالاران رها شوند، خانه ها و زمین هاشان را پس از سالها تبعید، مجدداً به دست آورند و دولت قانون بر کشور حکمفرما گردد. آنها می پنداشتند که نیروهای خارجی مسیرها و شبکه های آبیاری هزارساله یعنی قنوات و کاریزها را دوباره به جریان خواهند انداخت، نظام بهداری و بهزیستی را برپا می کنند و بالاخره پیامدهای جنگی را که ۲۲ سال طول کشید خواهند زدود.

اما واقعیت این است که نه خارجی ها، نه افغانهایی که از تبعید برگشتند و نه آنها که توانسته بودند همچنان در داخل برسرپا بمانند چنین آمادگی هایی نداشتند. وظایف، بدون فکر و آمادگی قبلی، چنین تقسیم شد: ایالات متحده مبارزه با تروریسم را دنبال کند، انگلیس به منع کشت خشخاش مشغول باشد و ملل متحد به انتخابات و سرپرستی از آوارگان. همچنین دوهزار سازمان غیردولتی به توسعه در روستاها بپردازند و کار بازسازی هم در دست بخش خصوصی باشد.

در مناطق روستایی که سابقاً به دلیل مقاومت در معرض تخریب و ویرانی قرار داشتند و بدینوسیله تنبیه می شدند، جنگ سالاران همچنان با مسلسل هایشان فرمان می رانند، زمینها را تصرف می کنند، کمک های بین المللی را بین این و آن تقسیم می کنند و خشخاش می کارند. از آنجا که در این کشور حقوق سنتی حکمفرما بوده، دفتر ثبت املاک و قبالة مالکیت وجود ندارد و این امر راه را برای مصادره ی زمین ها و چراگاه های متعلق به عموم بازگذاشته است. حفر چاه های خصوصی هرچه بیشتر افزایش یافته و در نتیجه، سفره ی آبهای زیرزمینی حدود ده متر به گودی نشسته است.

اعتماد بین مردم زایل شده است. دهقانان سلب مالکیت شده در حلبی آبادها تلنبار می شوند. دامداری مبتنی بر کوچ بیلاق و قشلاق که برای کشت غلات و میوه ی دره ها امری ضروری ست دو سوم تقلیل یافته زیرا کوچ نشینان می ترسند جا به جا شوند. افغانستان دیگر نمی تواند نیازهای غذائی خود را تأمین کند، گندم اهدائی مؤسسات بین المللی را می خورد و مرغ از برزیل وارد می کند.

پیشه وری و هنرهای دستی افغانستان که مشهور و همچنان مورد تقلید و اقتباس طراحان مد است، دارد نابود می شود. در کابل حتی یک کفاش پیدا نمی کنید، اما کفش های چینی بسیار فراوان است به دو دلار که برای تهیدستان بیش از حد گران محسوب می شود. خشخاش تقریباً ۶۰ درصد محصول ناخالص ملی را دربر می گیرد. اگر آن را منع کنید کشور را کشته آید. با توجه به اینکه در این سرزمین بی آب، صنعت نمی تواند وجود داشته باشد، اولویت را باید به کشاورزی، دامداری و به ایجاد کارگاه های کوچک داد. سبک خاص افغانستان اعتبار خود را حفظ کرده و تنها امکاتی که این کشور داراست همانا بازگشت به اصالت آن است.

در کابل، در این فصل بهار، بر درخت های اندکی که بجا مانده، گل ها رنگ دود گرفته و سیاه شده است. عابران پیاده برای اینکه خودروهای نوع جیب به آنها نزنند بین آشغال و مدفوع که در راه ریخته زیگزآگ می زنند. خارجی ستیزی با سرعت تمام افزایش می یابد.

روایای افغان ها، به رغم میلیاردها دلار که به کشور سرازیر شده، نقش بر آب می شود. مردم دولت را مقصر می شمارند و دولت هم پاسخ می دهد که بر کمک های دریافتی کنترلی ندارد. بسیاری کسانی که آرزوی دوره ی طالبان دارند.

از لوموند ۴ مه ۲۰۰۵ ترجمه برای اندیشه و پیکار